

کوچکترین اعتراض و درخواست ما

با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است

<https://balatarin.com/permlink/2012/10/2/3161623>

نامه ضمیمه , نامه کارگر زندانی افشین اسانلو از زندان گوهردشت میباشد. افشین برادر منصور اسانلو میباشد; وی فعال کارگری و یکی از اعضای سندیکای شرکت واحد تهران میباشد.

ما از شما دعوت میکنیم که با ارسال نامه حمایتی از سازمان جهانی کار که رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یکی از اعضایش پذیرفته است بخواهید که جهت آزادی افشین رژیم اسلامی را تحت فشار قرار دهد. نمونه نامه حمایتی در زیر ضمیمه میباشد. اگر عضو اتحادیه , انجمن و یا سازمانی هستید از آنها نیز بخواهید از افشین حمایت کنند.

متن نامه افشین اسانلو:

من افشین اسانلو از فعالین جنبش کارگری ایران و راننده اتوبوس حمل و نقل بین شهری هستم و هم اکنون در زندان گوهردشت کرج (رجایی شهر) بسر میبرم . در پاییز ۱۳۸۹ هنگام استراحت در خوابگاه مخصوص رانندگان مستقر در ترمینال مسافری توسط افراد مسلح که همگی لباس شخصی بودند ربوده و به بند وزارت اطلاعات یا همان بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدم. به مدت پنج ماه در سوله های انفرادی ۲۰۹ در زندان اطلاعات شهر سنندج تحت بازجوی و شکنجه قرار گرفتم. , شکنجه های نظیر زدن کابل به کف پا , وادار کردن به دویدن با همان پاهای زخمی و کابل خورده , بازجوییهای طولانی مدت به مدت هفده – هجده ساعته , فحشهای رکیک و ضرب و شتم این جانب به صورت دسته جمعی که باعث شکسته شدن چند تا از دنده ها و همینطور دندانهایم شد, در طی این پنج ماه خانواده ام هیچگونه خبری از من نداشته و پیگیریهایشان هم به جایی نرسید به من حتی اجازه تلفن زدن به مادر سالخورده و رنجکشیده که غم زندانی شدن پسر دیگرش آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران را هم بر دوش میکشید را هم ندادند.

من متاهل و دارای دو فرزند پسر میباشم و همان آغاز تشکیل خانواده به مدت ۲ سال در قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا سپاه مشغول به کار شدم و به عنوان راننده ماشین الات سنگین در شهرستانهای محروم و جنگزده در جنوب کشور در پروژه های مهم از قبیل ساخت خط خاکی کرخه و اسکله سنگی بندر ماهشهر, کانال کشی آب از سد کرخه تا حمیده اهواز کار کردم. عشق به وطن باعث میشد که دوری از خانواده را تحمل کنم و به هیچ بگیرم. بعد از دو سال با تمام راننده گانی که استخدامیشان قراردادی و موقت بود تسویه حساب کردند و همه ما بیکار شدیم. در سال ۱۳۷۶ به استخدام شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در آمدم , در شلوغترین خطوط

اتوبوسرانی به صورت ۱۲ ساعت در روز و یا در خطوط شبانه روزی با تمایل و درخواست خودم مشغول خدمت رسانی به مردم کشورم شدم، در مدت ۴ سالی که در شرکت واحد بودم همواره به همراه کارگران و رانندگان صدیق و با سابقه در کنار کار روزانه به جهت بهبود شرایط کار و کارآمد تر شدن سیستم مدیریتی و جلوگیری از فساد خیلی از مدیران و مسولین بخشها و مناطق مختلف به شرکت و حتی خود نمایندگان شورای اسلامی کار و پیگیری معوقه های عیدی و پاداش و بن های کارگری، لباس کار و یا قرار گرفتن شرکت جزو مشاغل سخت و زیان آور و از بین بردن قرارداهای موقت، که در بعضی از موارد به ۴ الی ۵ سال هم میرسید تلاش میکردم.

با اینکه در خیلی موارد موفق هم نمیشدیم ولی خاری بودیم در چشم زیاده خواهان، آنها تلاش میکردند به هر نحوی که شده ما را از میدان بدر کنند. ما دائما از سوی مدیریت و مامورانشان تحت فشار و تهدید به اخراج بودیم.

متاسفانه در سال ۱۳۸۰ به هنگام جابجایی مسافر در یکی از خطوط شرکت واحد با فردی تصادف کردم که موجب فوت وی شد، در این رابطه از مدیریت شرکت طلب مساعدت و یاری جهت تودیع دیه فرد متوفی را کردم که مدیریت و مددکاری وقت آن زمان با تباری با شرکت بیمه و خانواده متوفی به عمد باعث شدند که مبلغ دیه ۱۵ میلیون تومانی در آن زمان به هجده میلیون در سال بعد تبدیل شود که در صورت پرداخت نشدن مبلغ ۳ میلیون تومان مابالتفاوت من به زندان میافزادم و قانونا بیمه هم از پرداخت این مبلغ معاف بود.

مراجعه به اداره کار و طرح شکایت هم راه به جایی نبرد تا اینکه مدیریت شرکت واحد پرداخت این مبلغ را منوط به استعفای من کردند. و من هم که این مقدار پول را نداشتم مجبور به استعفا شدن که این امر باعث به هدر رفتن چهار سال سابقه کاریم شد و من میبایست پس از ۴ سال کار سخت و طاقت فرسا از صفر شروع میکردم. آنها به این وسیله لطمه بزرگی به من و خانواده ام وارد آوردند و تا مدتها همسرم که در آن زمان باردار هم بود به بیماری عصبی مبتلا شد. از آن زمان به بعد تا لحظه دستگیری در بخش حمل و نقل برون شهری مشغول به کار شدم خصوصاً بودن مالکیت این ناوگان عظیم و دیر بودن پیش از پیش رانندگان از سهم و نداشتن اتحادیه قوی و مستقل مانند بسیاری از رانندگان زحمتکش و باسرف به سختی چرخه زندگی را میچرخانم و با مشکلات بیشماری روبرو بودند و خالبا با گفتگو و همفکری با دیگر رانندگان در پی بهتر شدن شرایط کار و زندگیمان بودیم. در زندگی همواره در چهارچوب قانون و احترام به آن زندگی کرده ام، قانع بوده و به کارم افتخار میکردم سعی کردم همواره به دیگران احترام بگذارم و به وطن و مردم عشق بورزم و تمام عمر در حال کار و خدمت به جامعه ام باشم و فرزندانم را خوب و مفید تربیت کنم.

بعد از حدود یکسال بلاتکلیفی در بندهای ۲۰۹ و ۳۵۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام اقدام علیه امنیت محاکمه شدم در پروسه دادرسی از داشتن وکیل محروم بودم و دادگاهی این جانب ظرف چند دقیقه اینجانب انجام گرفت و بعد از يك هفته حکم ۵ سال حبس تعزیری به من ابلاغ شد من به حکم صادره اعتراض نمودم اما هیچگاه به من و خانواده ام در خصوص بررسی پرونده ام در دادگاه تجدید نظر و کم و کیف آن اطلاعی داده نشد. من به اتهام واهی و بی پایه و اساسی به ۵ سال زندان محکوم شدم که دقیقا ۲ سال آن را گذرانده ام مگر من چه اقدامی علیه امنیت کشور انجام داده ام؟ اینجانب نه فعالیت سیاسی میکردم ام و نه وابسته به گروه حزب و سازمانی بوده ام و تمامی فعالیت اینجانب نیز قانونی و صنفی بوده است. تنها گناه من پیگیری خواسته های به حقی است که کارگران شرکت واحد به آن واقف شده و آن را مطالبه میکنند که با دستگیری و زندانی آنها این خواسته ها از بین نمیرود. ضرورتهایی مانند به وجود آمدن يك نهاد صنفی مستقل کارگری جهت احقاق حقوق حقه و قانونی طبق موازین وزارت کار در جهت تامین امنیت شغلی، بهبود

دستمزدها متناسب با میزان تورم جلوگیری از پرداخت سلیقه ای حقوق و مزایا، عقد قراردادهای دائم بین کارگر و کارفرما، پاییند کردن دولت در کمک و تسهیل پرداخت بیمه تامین اجتماعی، نظارت در تعاونیهای حمل و نقل که دیگر کاملاً خصوصی شده و انحصاری بهره برداری میشود و تنها نام تعاونی را یدک میکنند، غیر قابل انکار میباشد. همچنین نظارت در پیگیری اعمال پلیس، راهها و نیروی انتظامی در وزارت راه و ترابری و مسائل صنفی از این دست که طبق موازین قانون کار بوده و اگر اجرایی شود نه تنها امنیت ملی به خطر نیافتد بلکه سبب رشد و بهره وری هر چه بیشتر این صنعت سود ده و ملی میشود، تمام جرم من و امثال من خلاصه شده در واگویی این مسایل و معضلات و مطرح شدن ان در بین رانندگان و کارگران و حتی بعضی مدیران هوشمند و لایق ناوگان حمل و نقل کسانی که به واقع گوشه ای از چرخ صنعت این مملکت را دلسوزانه بدوش گرفته و میچرخانند. این جانب با شرح مطالب گفته شده از فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آ تی اف) و سازمان جهانی کار (آ ال او) که همواره دلسوزانه و برادرانه دردها و رنجهای برادران خود را در سراسر دنیا شنیده و درک کرده و همیاری میکنند میخوام که وضعیت نابسامان ما کارگران بخش حمل و نقل و همینطور صدور چنین حکم ناعادلانه ای برای من و اجرایی کردن آن که تاکنون به ناحق و غیر قانونی است را از طریق نهادهای بین المللی و حقوق بشری پیگیری کرده و به گوش دیگر کارگران جهان به خصوص بخش حمل و نقل برسانند تا جهانبان بدانند که در کشور ما به هیچ وجه حقوق اساسی و انسانی ما کارگران و زحمتکشان رعایت نمیشود و کوچکترین اعتراض و درخواست ما با زندان شکنجه و اذیت و آزار برای خودمان و خانواده هایمان همراه است

با آرزوی فردای بهتر برای همه

افشین اسانلو - ۷ آگوست ۲۰۱۲

نامه دریافت شده فوق از سوی افشین اسانلو توسط کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه نامه ای از سوی این کمیته و کمپین برای آزادی کارگران زندانی به لیست وسیعی از سازمانها و افراد بشردوست و آزادیخواه، پارلمان اروپا، رسانه های عمومی، سازمان جهانی کار (آ ال او)، دبیر کل فدراسیون بین المللی کارگران ترانسپورت (آ تی اف) و اتحادیه های کشورهای مختلف از جمله اتحادیه های زیر ارسال گردیده است :

NFT-Norway Federation of Transport, CGT ADDSEA, Besançon – France , CGT PEP -Lyon – France ,LO – Sweden ,several unions in Vancouver – Canada, International Labour Solidarity in Australia, SNUipp-FSU – France, Initiative Communiste-Ouvrière – France, Unione Sindacale di Base (USB) – Italy, Solidarité Irak, France, Workers Party of America – USA, Réseau international syndical et associatif Transnationals Information Exchange (TIE), Central Sindical e Popular Conlutas (CSP-Conlutas) – Brazil, Union Syndicale Solidaires – France, Spain, Confederación General del Trabajo (CGT) – Spain, Organisation Démocratique du Travail (ODT) – Marocco Observatoire des Droits des Travailleurs et des Libertés Syndicales (ODTLSM) – Marocco, Organizzazione Sindacati autonomi e di base (Or.S.A.) – Italy, Confederación Intersindical – Spain, Intersindical Alternativa de Cataluña (IAC) – Catalonia, Spain, Syndicat Unique des Travailleurs des Transports Aériens et Activités – Senegal, Syndicat national des travailleurs des services de la santé humaine (SYNTRASESH) –

Benin, Emancipation, SNES/FSU – France, Confederación de Sindicatos de Trabajadores y Trabajadoras de la Enseñanza ; Intersindical – Spain Sindicato Trabajadores del Metal – Intersindical Valenciana, Spain, Union syndicale Solidaires du Var – France, Syndicat National du Ministère de l’Agriculture et de la Pêche et des établissements publics CGT (SYAC CGT) – France , Alain Baron, member of the international commission internationale of the Union syndicale Solidaires – France,

اتحادیه سراسری کارگران ونکور. اتحادیه س ژت، اتحادیه کارگران ساختمان‌ی و ترانسپورت در استرالیا. شورای کارکنان بخش خدمات دولتی استان بریتیش کلمبیا

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲

نمونه نامه جهت حمایت از آزادی افشین اسانلو و سایر کارگران زندانی به سازمان جهانی کار:

Take an action by sending a letter to the International Labour Organisation (ILO)

To: ilo@ilo.org

Cc:

info_leader@leader.ir

catherine.ashton@ec.europa.eu

npillay@ohchr.org

urgent-action@ohchr.org

freepoliticalprisoners@gmail.com

in regards to the situation of jailed worker Afshin Osanloo. I express my great concern International Labour Organisation (ILO) to put pressure on the I/we demand that .Iran to free Afshin Osanloo and other jailed workers immediately government in

Name:

Country:

متن انگلیسی و نامه ارسالی به اتحادیه ها:

Date: 26 September 2012

To: All unions

Re: Jailed worker Afshin Osanloo (brother of Mansour Osanloo)

We do not need to introduce Mansour Osanloo to you. Mansour, an Iranian trade union activist, fought tirelessly trying to improve the appalling working conditions of bus drivers in Iran, nor do we need to explain how the situation is for many workers in Iran. Harassment, threats and fear of losing their jobs forces most people to remain silent. Those who do dare to speak up against unfairness are quickly silenced.

However, despite the regime's efforts to keep the outside world out, people in Iran still manage to send news out. Over and over again we hear about how union leaders and members, are put through sham courts, charged for "acting against national security" and sentenced to years in prison where torture becomes a daily routine. Despite the risks, Mansour continued fighting for what he believed in and for this he spent almost four years in prison, under horrendous conditions. Although the situation seemed hopeless, Mansour was finally freed earlier this year.

We should be celebrating this great victory but this is not possible since Mansour's brother is also in prison, purely for following the same steps of his brother and trying to improve the dreadful working conditions that he was surrounded by.

Attached is a letter we received from Afshin Osanloo (translated by Shadi Paveh, CFPPI-Public Relations) which gives more information about his, and many other workers', situation in Iran right now.

We fear that if immediate action is not taken, Afshin's situation will get worse, just as it has for so many other unionists in Iran. On behalf of Afshin we are asking ITF, ILO and all other unions

to once again use their power to come together and put pressure on the regime in Iran to release Afshin whose only "crime" has been to fight for his and his colleagues basic rights.

The regime in Iran might be able to keep a single organisation out but no walls can withstand the force of the international trade union community.

Should you require any further information, please do not hesitate to contact us at any time. We look forward hearing from you.

In solidarity,

Shiva Mahbobi

Spokesperson- Campaign to Free Political Prisoners in Iran (CFPPI)

Tel: +44(0) 7572356661 Email: shiva.mahbobi@gmail.com

Shahla Daneshfar

Coordinator -Free Them Now! Campaign to Free Jailed Workers in Iran

Tel: +44(0) 7779 898968 Email: Shahla_daneshfar@yahoo.com

A letter from AFSHIN OSANLOO, labor activist, from prison

I am Afshin Osanloo of the labor movement in Iran; I drive a transport truck between cities and am now in Gohardasht (Rajai Shahr) prison in Iran. In autumn of 2010, while resting in the dormitory for drivers in the passenger terminal, I was arrested by armed persons wearing casual clothing and not uniforms and was taken to Section 209 of Evin prison. For five months I was kept in solitary confinement and was interrogated and tortured. The tortures included beatings of the soles of my feet with cables, forcing me to run on the beaten feet which were covered in sores and cuts, gross verbal insults and swearing, weeklong interrogations-18 hours at a time,

being beaten by a group of men which resulted in my ribs and some teeth to be broken. During these five months my family had no information about me whatsoever, and their inquiries were not answered. I was not even permitted one phone call to my elderly mother who also was suffering from my brother's imprisonment (Mansour Osanloo, Chairman of Syndicate of Workers of Tehran and Suburbs Bus Company).

I am married and have two sons. When I first started my family I began working at the Construction Base at Khatam in the isolated, war torn provinces of Southern Iran on important projects in the name of a driver for 2 years. The work was hard labor, such as building dirt roads through the Karkhe River, making docks out of rocks in the Port of Mahshahr and building water pipes from Karkhe River all the way to Hamide in Ahwaz. The love for my country helped me endure being so far away from my family and I dismissed the sorrow.

After 2 years, all the drivers whether they were temporary hires or contract workers were let go. In 1997, I was hired by the bus Company of Tehran and worked 12 hour shifts both during the day and night on the busiest routes in the city. During the time that I worked at the unit, along with my most experienced and truly sincere co-workers, we tried to improve and modernize our working conditions and tried to prevent corruption at the expense of being humiliated/ridiculed by management and bosses from different sectors and regions and even the representatives of the Islamic Labor Council, we still pursued our outstanding arrears, bonuses, uniforms, prevention of hard, harmful and unsafe labor along with abolishment of temporary contracts, some of which had lasted 4-5 years.

Although we were not successful in many issues, and were seen as greedy, ungrateful workers by the higher ups, we still tried in any way we could. We were threatened with the loss of our jobs by the management.

Unfortunately, in 2001, while I was transferring passengers during my shift at work, I had an accident that sadly caused the death of another person. I asked my company's insurance for assistance in the matter but after some talks between the insurance company and the family of the deceased the sum I was asked to pay was changed from 10 million to 18 million Tomans (Iranian currency). And the insurance company from work was legally exempt and not responsible.

My complaints to the Department of labor were of no use until the bosses of the company agreed to pay the entire sum conditional on my resignation. And since I did not have such large sum of money I was forced to resign, which caused me to lose the 4 years of seniority and experience I had in the field; not to mention the years of enduring the hard labor and the harsh conditions.

This also dealt a large blow to my family. My wife who was pregnant at the time, suffered from a nervous breakdown. From that time onwards, I was busy working in Transportation and Shipping. The fact that this sector was owned privately, along with the lack of strong, independent unions and late paychecks made it hard for the drivers to make ends meet and they suffered from so many different work related issues. As a result, all of us were communicating about how to better our work situation.

I had four rules in my life for myself which I have lived by all my life: I was proud of my work, I tried to respect all my peers, loved my country and its people and served the society by bringing up my children well so that they could be useful.

After one year of being in prison without knowing my fate in sections 209 and 380, I was sentenced to 5 years in prison by branch 15 of the Revolutionary Court led by Judge Salevati (The Hanging Judge). In just a few minutes I was accused of being “a national threat to security” and was not given the right to be represented by a lawyer. I objected to the proceedings but there was no way at all for myself or my family to review or even see my file or my charges.

I was sentenced on baseless accusations and charges to five years, two of which I have already served. What did I do against national security? I had no political affiliations and did not belong to any organizations or groups and all my actions were legal and had to do with trade workers. The only crime I committed was pursuing workers’ rights and unions and arresting us is not going to stop us from wanting our rights. It is necessary to create legitimate, independent labor unions for legal rights that are in accordance with the Ministry of Labor.

And to provide job security, improved wages commensurate with the inflation rate, to prevent late payment of salary, permanent contracts between worker and employer, payment of social security by the government, insurance coverage for workers and to stop privatization of the transportation and shipping trade which are all privately owned in order to stop employers from taking advantage of the workers. If such issues are pursued by the police force and the Ministry of Transportation it will allow the trade business to run with accordance to the law. If these laws are implemented it will benefit public safety and increase productivity and the industry as a whole will be more profitable. My crime and all others like me are the same and repetitive on this issue.

These issues and problems are discussed among drivers and workers, and even amongst some honest and competent transport managers who work for the industry.

These issues should be first addressed to The International Transport Workers' Federation (ITF) and also the International Labor Organization (ILO); who have always been sympathetic and have supported their brothers all across the world and who understand our pain and suffering. We want them to take this issue to the international bodies and communities and also to the human rights organizations. We want all other workers, especially those in transportation to hear how I and so many other workers have been unfairly and illegally convicted. We want you to tell them how in our country we have no labor or human rights, and how unjust and illegal it all is and how the smallest complaint about our working conditions causes us to be severely tortured and imprisoned.

In hopes of a better tomorrow for all.

Afshin Osanloo

August 7, 2012

Rajai Shahr Prison, Iran

[END]

Sample letter:

Take an action by sending a letter to the International Labour Organisation (ILO)

To: ilo@ilo.org

Cc:

info_leader@leader.ir

catherine.ashton@ec.europa.eu

npillay@ohchr.org

urgent-action@ohchr.org

freepoliticalprisoners@gmail.com

in regards to the situation of jailed worker Afshin Osanloo. I express my great concern International Labour Organisation (ILO) to put pressure on the I/we demand that .Iran to free Afshin Osanloo and other jailed workers immediately government in

Name:

Country:

--

Campaign to Free Political Prisoners in Iran(CFPPI)

Sarvar Kardar
Coordinator

+47 (0) 4133 3268

freepoliticalprisoners@gmail.com

Address:CFPPI

BM Box 6754, London WC1N 3XX, U.K.

www.iranpoliticalprisoners.com

<http://cfppi.blogspot.com>

<http://www.youtube.com/user/CFPPI2009>

[FacebookTwitter](#)

[Flickr](#)